ارتقای آگاهی محیط زیستی، سرفصل مدیریت جدید

سپهرغرب، گروه زیست‌بوم – طاهره ترابی‌مهوش: در گفت‌وگو با سرپرست جدید اداره کل حفاظت از محیط زیست استان همدان مشخص شد؛ ارتقای آگاهی محیط زیستی در سرلوحه مدیریت جدید این اداره کل قرار خواهد گرفت.

سرپرست اداره کل حفاظت از محیط زیست استان همدان با حضور در دفتر روزنامه سپهرغرب ضمن بازدید از این مجموعه پای گفت‌وگو با خبرنگار و سردبیر این مجموعه نشست و به تعدادی از سؤالات مطرح‌شده پاسخ داد که در ادامه می‌خوانید:

شهرام احمدی فارسانی با اشاره به اهمیتی که رسانه‌ها در حفظ محیط زیست دارند گفت: آنچه مسلم است اینکه رسانه به‌عنوان بازوی توانمند اطلاع‌رسانی یکی از پررنگ‌ترین نقش‌ها را در حفاظت از توسعه پایدار ایفا می‌کند.

وی با ابراز اینکه سازمان حفاظت از محیط زیست یک نهاد فرابخشی با رویکرد حاکمیتی و نظارتی است، عنوان کرد: محیط زیست ارث پدری ما نیست که بر مبنای آن ما به میل خویش با آن برخورد کنیم بلکه به دست ما امانت داده شده و لازم است در راستای بهره‌برداری از آن گام برداشته و از آن حفاظت کنیم.

وی با اشاره به اینکه اصل پنجاهم قانون اساسی نیز به‌صراحت به این امر اشاره دارد که در جمهوری اسلامی، حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌شود، گفت: این وظیفه از یک زن خانه‌دار که در منزل می‌تواند نقش بسیار مهمی را در حوزه مدیریت انرژی و تولید زباله داشته باشد گرفته تا آن مدیر کارخانه و مسئول را شامل می‌شود.

سرپرست جدید اداره کل حفاظت از محیط زیست استان همدان با تأکید بر نقش حاکمیتی و نظارتی سازمان حفاظت از محیط زیست اذعان کرد: در این بین نقش دیگر با عنوان ارتقای دانش محیط زیستی را نیز به طرق مختلف دنبال می‌کنیم.

احمدی با ابراز اینکه متأسفانه در سال‌های گذشته نه‌تنها در کشور ما بلکه در سایر نقاط جهان کم‌توجهی به محیط زیست باعث شده ما مصائب زیادی را در این عرصه تجربه کنیم تشریح کرد: آلودگی منابع زیستی همچون آب، هوا و خاک از طریق تولید انواع مختلفی از زباله‌ها و پسماندها که به‌عنوان یک چرخه، آسیب جدی به تنوع زیستی وارد کرده، ازجمله این مصائب است.

وی با اشاره به اینکه اگر به چرایی این مسائل به‌صورت ریشه‌ای بپردازیم مشخص می‌شود که این موضوع نشأت‌گرفته از رفتار نامناسب ما با محیط زیست است، عنوان کرد: آنچه مسلم است اینکه ما باید در راستای تغییر رفتار، نسبت به تغییر بینش محیط زیستی اقدام کنیم، همین امر نیازمند ارتقای آگاهی‌های محیط زیستی از طریق آموزش است.

وی با بیان اینکه تنها و بهترین راه حفاظت از محیط زیست جلب مشارکت عمومی بوده که خود مستلزم ارتقای دانش و آموزش‌های زیست‌محیطی و فرهنگ محیط زیست است تشریح کرد: در این بین هیچ‌کس قادر نخواهد بود که نقش اساسی رسانه‌ها را در امر آموزش مباحث محیط زیستی انکار کند.

این مسئول با ابراز اینکه وظیفه ماست که با صداقت و شفافیت در راستای آگاهی‌بخشی، مسائل محیط زیستی را با رسانه‌ها در میان بگذاریم، تصریح کرد: در این بین نکته حائز اهمیت اینکه حفاظت از محیط زیست هیچ تضادی با توسعه ندارد.

احمدی فارسانی ادامه داد: در این میان پایداری توسعه باید به لحاظ محیط زیستی مورد توجه قرار گیرد؛ یعنی همانطور که در مبحث توسعه، توجه به دو رکن اقتصادی و اجتماعی ازجمله مؤلفه‌های تأثیرگذار در تحقق این مسئله به‌حساب می‌آیند، این توسعه می‌بایست از پایه توسعه محیط زیستی و حتی به اذعان برخی کارشناسان پایه آینده‌پژوهی نیز برخوردار باشد.

وی با اشاره به اینکه توجه به مؤلفه و پایه محیط زیست در توسعه امنیت، در سایر بخش‌های مورد نیاز از امنیت اقتصادی گرفته تا امنیت زیستی، سلامت و غذایی و غیره را شامل می‌شود، گفت: حفاظت از محیط زیست به معنای صیانت از منابع پایه است.

وی با ابراز اینکه بسیار خوشحالم از اینکه در یک استان با مردمی با فرهنگ و متمدن زین پس به‌عنوان یک مدیر خدمت خواهم کرد، افزود: خوشبختانه در این استان علاوه بر مردمان با فرهنگ به لحاظ مؤلفه‌های محیط زیستی از تنوع زیستی غنی و کنشگران خوب محیط زیستی نیز برخوردار هستیم.

سرپرست جدید اداره کل حفاظت از محیط زیست استان همدان با تأکید بر اینکه یقیناً در راستای ارتقای آموزش، برنامه‌های متنوعی ازجمله برگزاری تور بازدید از مناطق حفاظت‌شده، آموزش مسائل مرتبط با حوزه محیط زیست به رسانه‌ها و غیره با همکاری رسانه‌ها خواهیم داشت که هر یک به نوبه خود از اهمیت بالایی برخوردار است.

احمدی فارسانی جایگاه محیط زیست همدان در سطح ملی را خوب قلمداد کرد و افزود: در این بین تنوع زیستی غنی و مردم محیط زیست دوست و مطالبه‌گر، ازجمله شاخص‌های مورد توجه در خصوص جایگاه محیط زیستی استان همدان است که آن را از سایر استان‌ها متمایز می‌کند.

وی با اشاره به اینکه در خصوص جلب مشارکت عمومی در بخش‌های مختلف به تناسب استعدادهای بالقوه‌ای که در همدان وجود دارد آموزش لازم در دستور کار خواهد بود، عنوان کرد: این آموزش‌ها شامل همه ذی‌نفعان محیط از سطح خانواده گرفته تا مدرسه و دانشگاه و در عین حال تمام اقشار را شامل می‌شود که البته تحقق آن نیازمند همکاری فرابخشی تمام دستگاه‌ها است زیرا موضوع محیط زیست در قالب اکوسیستم به یکدیگر وابسته است.

وی با تأکید بر اینکه بیشترین آسیب وارد بر محیط زیست نشأت‌گرفته از کمبود آگاهی است، افزود: سازمان محیط زیست در برخی بخش‌ها همچون به‌کارگیری هوش مصنوعی در حوزه آموزش محیط زیست برای کودکان خود پرچمدار بوده و این کار در سطح ملی در حال انجام است.

این مسئول در واکنش به اینکه متأسفانه ما در همدان در همه بخش‌های اکوسیستم محیط زیستی با مشکل مواجهیم، از آلودگی خاک توسط سموم کشاورزی گرفته تا آلودگی هوا به‌ویژه در فصل زمستان و تا آلودگی آب و غیره، بنابراین اولویت شما در مواجه با این مسائل چیست؟ گفت: بخشی از مباحث همچون تغییر اقلیم ازجمله مسائل جهانی هستند و باید در سطح کلان برای آن برنامه داشت.

احمدی فارسانی با بیان اینکه در خصوص آلودگی‌های همدان نیز باید بگویم به‌صورت مقطعی است و بیشتر در فصل زمستان بر اثر وارونگی هوا رقم می‌خورد، اذعان کرد: در این بین چون همدان سهم چندانی از صنایع ندارد بیشترین آسیب در این بخش ازسوی حمل‌ونقل به هوای همدان وارد می‌شود؛ بنابراین بنا به رسالت خود در حوزه انتظارات در این عرصه، تمام‌قد با همه دستگاه‌های متولی در این عرصه به استناد قانون هوای پاک وارد تعامل شدیم تا این مسئله را به حداقل برسانیم.

وی با تأکید بر اینکه اخیراً در جلسه‌ای که با شهرداری و شورای شهر داشتم بر لزوم توجه به معاینه فنی خودروها و برخورد با متخلفان به‌صورت هوشمند تأکید کردم، افزود: خوشبختانه این امر گویا در همدان از چند ماه پیش به‌صورت جدی در حال پیگیری است.

سرپرست اداره کل حفاظت از محیط زیست استان همدان با بیان اینکه توسعه و بهره‌گیری از وسایط حمل‌ونقل عمومی با سوخت پاک همچون خودروهای برقی، اتوبوس‌های هیبریدی و غیره از دیگر خواسته‌های ما در این زمینه است که گویا در این بخش نیز گام‌های مثبتی برداشته شده، اذعان کرد: ما باید به سمت توسعه ناوگان حمل‌ونقل پایدار حرکت کنیم زیرا در بلندمدت منجر به کاهش خودروهای تک‌سرنشین و شخصی و در نهایت کاهش آلودگی‌های محیط زیستی خواهد شد.

احمدی فارسانی با اشاره به رویکردی که در مواجهه با موضوع زباله و پسماند در استان دنبال خواهد کرد، گفت: رویکرد ما تأکید بر تفکیک از مبدأ و بازیافت است زیرا زیبنده پایتخت تاریخ و تمدن نیست که بازهم رویکرد دفن زباله در آن دنبال شود؛ بنابراین یقیناً از طریق دستگاه مجری، دایر کردن حداقل دو کارخانه بازیافت در استان را پیگیری خواهیم کرد.

وی در واکنش به این مسئله که یکی دیگر از مسائل حوزه محیط زیست استان به چالش و تخریب خاک توسط معادن بازمی‌گردد و متأسفانه بیشتر معدن‌کاران همدانی اعتقادی به بازگرداندن خاک به حالت اولیه پس از اتمام پروانه بهره‌برداری ندارند، گفت: یقیناً در این زمینه نیازمند همکاری بین‌بخشی از دستگاه صنعت و معدن گرفته تا منابع طبیعی و بخش خصوصی هستیم، با این وجود در این عرصه نیز ورود جدی با رویکرد تعاملی و آموزشی خواهیم داشت چراکه طبق قوانین پس از اتمام برداشت، بهره‌بردار می‌بایست شرایط را به حالتی بازگرداند که امکان تخریب وجود نداشته باشد.

بهینه‌سازی مدیریت پسماند با راهکارهای هدفمند

سپهرغرب، گروه زیست‌بوم: بهبود مدیریت پسماند در شهرها با استفاده از نوآوری و فناوری، راهکاری است که سود سریع و محلی برای همه شهرها به ارمغان می‌آورد.

شهرها در سراسر جهان با چالش‌های مدیریت پسماند روبه‌رو هستند، اما راهکارهای مؤثری برای بهبود مدیریت وجود دارد که می‌تواند منافع اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی را به همراه داشته باشد. این راهکارها برای همه شهرها قابل اجرا است؛ از شهرهایی که در حال راه‌اندازی نخستین فرایندهای مدیریت پسماند خود هستند تا شهرهایی که به سمت رویکرد بدون پسماند حرکت کرده‌اند.

شهرها باید جمع‌آوری سراسری و دفع ایمن پسماند را به‌عنوان پایه و اساس یک سیستم مدیریت پسماند پایدار توسعه دهند. مسئولان شهری می‌توانند زیرساخت‌های جمع‌آوری، سیستم‌های انتقال و تنظیمات عملیاتی را در سراسر شهر گسترش دهند. استفاده از خودروهای کوچک، اجتناب از مسیرهای تکراری جمع‌آوری و کاهش فاصله تا محل دفع پسماند از جمله موارد قابل‌توجهی است که می‌تواند بسیار مؤثر واقع شود.

همکاری با بخش غیررسمی پسماند برای رسمی کردن راهبردها و بهبود شرایط کاری جمع‌آوری‌کنندگان پسماند یکی از راهکارهای مفید برای بهبود مدیریت پسماند شهری است. شهرها باید الزامات تفکیک پسماند در مبدأ را برای تولیدکنندگان بزرگ پسماند همچون بازارها یا مراکز صنعتی برقرار کنند تا حداقل اطمینان حاصل شود که پسماند به یک محل دفن بهداشتی دفع می‌شود و در صورت امکان، گاز محل دفن برای تولید انرژی استفاده شود.

■ جلوگیری از سوزاندن پسماند جامد

سوزاندن پسماند اغلب به‌عنوان راه‌حلی سریع برای مدیریت پسماند و تولید انرژی کم‌کربن معرفی می‌شود، اما در واقع چنین نیست. این روش دارای چالش‌های جدی است که باید مورد توجه قرار گیرد؛ سوزاندن پسماند روشی گران است و در مقایسه با منابع انرژی پاک همچون خورشیدی و بادی ناکارآمد است، همچنین نیازمند کنترل‌های زیست‌محیطی قوی است تا از انتشار گازهای گلخانه‌ای جلوگیری کند.

مشکل دیگر این است که سوزاندن پسماند شهرها را به تولید حجم بالای پسماند برای تغذیه کوره‌ها محدود می‌کند. این امر موجب کاهش انگیزه مردم برای بازیافت و سایر تلاش‌های کاهش و تفکیک پسماند خواهد شد. بنابراین، سوزاندن پسماند نه‌تنها راه‌حل مناسبی نیست، بلکه می‌تواند موجب ایجاد مشکلات زیست‌محیطی و کاهش انگیزه‌های مردم برای مدیریت پسماند به‌صورت پایدارتر شود. شهرها باید به‌دنبال راهکارهای دیگری باشند که هزینه و اثرات محیطی کمتری داشته باشد.

■ تمرکز بر کاهش و مدیریت پسماند غذایی

شهرها باید مقدار پسماند غذایی تولیدشده در شهر، منابع و مشخصات آن را تعیین کنند و پروژه‌های آزمایشی را برای توسعه راهبردی جمع‌آوری جداگانه پسماند غذایی و آلی اجرا کنند. تمرکز در گام‌های ابتدایی باید بر بزرگ‌ترین تولیدکنندگان پسماند غذایی باشد و سپس برای جمع‌آوری جداگانه عمومی در سطح خانوار اقدام شود. مسئولان شهری می‌توانند از طرح‌های تشویقی همچون در نظر گرفتن پاداش‌های مالیاتی برای جمع‌آوری بیشتر پسماند غذایی به‌منظور تشویق مشارکت عمومی در این فرایند استفاده کنند.

شهرها می‌توانند از کمپوست‌سازی و دفع بی‌هوازی برای تولید کمپوست، بیوگاز، منابع حرارتی، کودهای آلی و سایر محصولات استفاده کنند. شهرهایی که با منابع محدود روبه‌رو هستند باید بر کمپوست‌سازی تمرکز کنند زیرا این فرایند ساده‌تر و ارزان‌تر است.

■ افزایش نرخ بازیافت

اولویت‌های بازیافت در هر شهر باید با جمع‌آوری و تحلیل داده‌های پسماند یا جست‌وجو و تحلیل داده‌های شهرهای مشابه تعیین شود. خدمات بازیافت را می‌توان با اجرای طرح‌های جمع‌آوری از منازل و دفاتر، راه‌اندازی مکان‌های تخلیه، استفاده از سطل‌های مناسب پسماند مختلف و حداکثر کردن تعداد مواد تفکیکی تسهیل کرد.

از جمله سیاست‌های مؤثر در تشویق و پشتیبانی از بازیافت می‌توان به سیاست‌های پرداخت به‌ازای مقدار پسماند تولیدی که مردم را موظف به پرداخت متناسب با پسماند تولیدی خود می‌کند، طرح‌های سپرده که طی آن افراد هنگام خرید محصولاتی با بسته‌بندی فلزی، پلاستیکی و شیشه‌ای مبلغی را به‌عنوان سپرده پرداخت می‌کنند و پس از بازگردان بسته‌بندی آن را دریافت می‌کنند و ممنوعیت محلی برای تولیدکنندگان به‌منظور کاهش تولید اقلام غیرقابل بازیافت اشاره کرد.

راه‌اندازی کمپین‌های ارتباطی هدفمند برای اطمینان از دسترسی آسان عموم شهروندان به اطلاعاتی در مورد اینکه چه چیزهایی را می‌توان بازیافت کرد، یکی از راهکارهای افزایش نرخ بازیافت است و برای افزایش کارایی آن می‌توان از پیام‌های مثبت و جذاب استفاده کرد که با غرور شهروندی، صرفه‌جویی در هزینه، پایداری و ایجاد شغل مرتبط است. آسان کردن فرایند جمع‌آوری و تحویل پسماند و به‌کارگیری مکانیزم‌هایی همچون تسهیم درآمد، حمایت از کارگران جمع‌آوری و اپراتورهای مدیریت پسماند و ایجاد چرخه‌هایی برای بازگرداندن مواد بازیافت‌شده به کسب و کارهای محلی، نرخ بازیافت را افزایش می‌دهد.

■ ترویج اقتصاد دایره‌ای

برقراری سیاست‌های عوارض پرداخت به‌ازای مقدار پسماند تولیدی، تفکیک پسماند در مبدأ و طرح‌های تشویقی برای مشارکت در مدیریت پسماند، کاربران را تشویق به تولید کمتر پسماند می‌کند. شهرها باید در کنار این سیاست‌ها، مقرراتی برای حذف تدریجی پلاستیک‌های یک‌بار مصرف و سایر مواد غیرقابل بازیافت را توسعه دهند و در این مسیر از سیاست‌های دولت ملی یا منطقه‌ای در مورد مقررات مسئولیت گسترده تولیدکننده و طرح‌های سپرده کمک بگیرند تا تولیدکنندگان را به بازپذیرش مواد و ساخت محصولات قابل بازیافت بیشتر تشویق کنند.

پشتیبانی از فروشگاه‌های بازیافت و تعمیر، طرح‌های اجاره و به اشتراک‌گذاری محصولات و برگزاری نمایشگاه‌های تبادل، استفاده مجدد، کاهش مصرف و کاهش تولید پسماند از جمله راهکارهای مؤثر در ترویج اقتصاد دایره‌ای در شهرها است. آن‌ها باید سیاست‌هایی را برای بازطراحی ساختمان‌ها برای کاربری‌های جدید و بازیافت مصالح برای استفاده مجدد اعمال کنند.

■ تعیین اهداف پسماندصفر برای کسب جوایز اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی

شهرها باید به‌منظور بهبود مدیریت پسماند و درنتیجه کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، اهداف پیشرونده‌ای را برای کاهش دفع پسماند تنظیم کنند. هدف جهانی این است که حداقل ۷۰ درصد از دفع پسماند تا سال ۲۰۳۰ کاهش پیدا کند و تا ۲۰۵۰ دفع پسماند به‌طور کامل حذف شود. پیشرفت در دستیابی به این اهداف باید به‌طور مداوم توسط مسئولان مربوط اندازه‌گیری و گزارش شود. شهرها باید اهداف مشخصی برای کاهش ضایعات غذایی و مواد آلی را در چهارچوب هدف پسماند صفر قرار دهند، زیرا کاهش ضایعات غذایی و مواد آلی نقش مهمی در دستیابی به این هدف ایفا می‌کند.

این مجموعه اقدامات با یکدیگر همپوشانی دارند؛ به‌عنوان مثال، تفکیک پسماند در مبدأ برای مدیریت پسماندهای آلی، کاهش آلودگی مواد قابل بازیافت و همچنین کاهش تولید مواد غیرقابل بازیافت بسیار حیاتی است. این اقدامات مکمل یکدیگر هستند و در کنار یکدیگر به کاهش چشمگیر دفع پسماند کمک می‌کنند. نظارت مستمر بر پیشرفت و تنظیم مجدد برنامه‌ها امری ضروری است تا اطمینان حاصل شود که اهداف به‌درستی و در زمان مقرر محقق می‌شوند.

تغییر سبک زندگی ایرانیان زیر سایه بحران‌های زیست‌محیطی

سپهرغرب، گروه زیست‌بوم: بحران‌های زیست‌محیطی در ایران از جمله کم‌آبی، آلودگی هوا و تغییرات اقلیمی، فراتر از یک چالش طبیعی، به عاملی تعیین‌کننده در شکل‌گیری رفتارها و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی بدل شده‌اند. این بحران‌ها نه‌تنها نیاز به تغییر در سیاست‌های زیست‌محیطی کشور را آشکار کرده‌اند، بلکه رفتارهای جمعی و الگوهای زندگی ایرانیان را نیز دستخوش تحول کرده‌اند. در ادامه، به تحلیل ابعاد گوناگون این تحولات خواهیم پرداخت.

■ بحران زیست‌محیطی؛ زمینه‌ساز بازتعریف ارزش‌های فرهنگی

بحران‌های زیست‌محیطی در ایران نه‌تن‌ها نیاز به مدیریت منابع را افزایش داده‌اند، بلکه در بازتعریف ارزش‌ها و اولویت‌های فرهنگی نیز نقش داشته‌اند. برای مثال، بحران آب باعث شده‌است که الگوی مصرف منابع در سطح خانوار و جامعه تغییر کند. در فرهنگ ایرانی که به میهمان‌نوازی و سخاوت معروف است، اکنون مصرف مسئولانه‌تر آب به یک ارزش اجتماعی تبدیل شده‌است. همچنین در شهرهای آلوده‌ای مانند تهران، آگاهی عمومی نسبت به اهمیت فضاهای سبز و کاهش استفاده از خودروهای شخصی افزایش یافته‌است. این تغییرات در ارزش‌های فرهنگی، نمونه‌هایی از بازتاب گسترده‌تر بحران‌های زیست‌محیطی در رفتارهای اجتماعی ایرانیان هستند.

■ پایداری و تغییر الگوهای مصرف

یکی از پیامدهای مستقیم بحران‌های زیست‌محیطی، تغییر الگوهای مصرف مردم است. استفاده از محصولات محلی و ارگانیک به دلیل دغدغه‌های زیست‌محیطی و سلامت، به یک روند رو به رشد تبدیل شده‌است. بسیاری از خانواده‌ها اکنون به جای استفاده از کیسه‌های پلاستیکی، از کیسه‌های پارچه‌ای استفاده می‌کنند و تفکیک زباله در مبدأ نیز به تدریج به یک عادت فرهنگی تبدیل شده‌است. همچنین کاهش استفاده از وسایل یک‌بارمصرف و روی‌آوردن به وسایل قابل بازیافت، نشانه‌ای از تغییر نگرش عمومی به سوی پایداری است.

در عین حال، بحران کمبود آب باعث ظهور شیوه‌های جدید مدیریت مصرف شده‌است. برای مثال، در برخی مناطق، خانواده‌ها از روش‌های سنتی مانند جمع‌آوری آب باران برای آبیاری باغچه‌های کوچک استفاده می‌کنند. چنین الگوهایی نشان‌دهنده هماهنگی میان سبک‌های زندگی مدرن و دانش بومی هستند.

■ نقش رسانه‌ها در افزایش آگاهی زیست‌محیطی

رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی نقش مهمی در افزایش آگاهی زیست‌محیطی و ترویج رفتارهای پایدار ایفا کرده‌اند. برنامه‌های مستند تلویزیونی، کمپین‌های آنلاین و فعالیت‌های آموزشی در مدارس، همگی به انتقال پیام‌های زیست‌محیطی کمک کرده‌اند. برای مثال، کمپین‌هایی مانند «نه به پلاستیک» و «حفاظت از تالاب‌ها» در رسانه‌های اجتماعی توانسته‌اند تأثیر قابل‌توجهی در تغییر نگرش و رفتار مردم داشته‌باشند. رسانه‌ها همچنین بستری برای معرفی راهکارهای خلاقانه و اقتصادی ارائه کرده‌اند، مانند استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر یا توسعه باغچه‌های خانگی.

علاوه بر این، ساخت مستندهایی درباره مشکلات زیست‌محیطی خاص ایران، مانند خشک‌شدن دریاچه ارومیه یا آلودگی هوای کلانشهرها، نقش بسزایی در افزایش حساسیت عمومی داشته است. در نتیجه، شاهد تعامل بیشتر شهروندان با موضوعات زیست‌محیطی در شبکه‌های اجتماعی و حتی در گفتگوهای روزمره هستیم.

■ تأثیر بحران‌ها بر مهاجرت و سکونت‌گاه‌های انسانی

بحران‌های زیست‌محیطی همچنین الگوهای مهاجرت در ایران را تغییر داده‌اند. کاهش منابع آب و افزایش دمای هوا در مناطق جنوب و شرق کشور باعث مهاجرت جمعیت به شهرهای بزرگ‌تر و مناطق شمالی شده‌است. این مهاجرت‌ها، علاوه بر فشار بر زیرساخت‌های شهری، تأثیرات فرهنگی و اجتماعی نیز به همراه داشته‌اند. برای مثال، افزایش تراکم جمعیت در کلان‌شهرها باعث تغییر در سبک زندگی شهری و نیاز به ایجاد فرهنگ جدید همزیستی شده‌است. از سوی دیگر، مهاجرت به مناطق شمالی ایران موجب فشار بر منابع طبیعی و زیست‌بوم‌های حساس این مناطق‌شده و تنش‌هایی میان جمعیت بومی و مهاجر ایجاد کرده‌است.

■ تغییر در معماری و فضای شهری

بحران‌های زیست‌محیطی همچنین تأثیرات عمیقی بر معماری و برنامه‌ریزی شهری گذاشته‌اند. در پاسخ به افزایش دمای هوا و کاهش منابع انرژی، استفاده از تکنیک‌های معماری پایدار در برخی مناطق کشور گسترش یافته‌است. خانه‌هایی با عایق‌بندی مناسب، پنل‌های خورشیدی و طراحی‌هایی که از تهویه طبیعی بهره می‌برند، نمونه‌هایی از تلاش برای انطباق با چالش‌های زیست‌محیطی هستند. همچنین، در شهرهایی که با مشکل آلودگی هوا مواجهند، ایجاد فضاهای سبز شهری و ترویج حمل‌ونقل عمومی به عنوان اولویت‌های اصلی مطرح شده‌اند.

این تغییرات به تدریج در فرهنگ عمومی نیز تأثیر گذاشته‌اند، به طوری‌که تقاضا برای ساختمان‌های سبز و محیط‌زیست‌دوست در میان مردم افزایش یافته‌است. این روند نشان می‌دهد که بحران‌ها می‌توانند به فرصتی برای ترویج نوآوری و بازآفرینی شهری تبدیل شوند.

■ آموزش و نقش آن در مقابله با بحران‌ها

یکی از مهم‌ترین راهکارهای مقابله با بحران‌های زیست‌محیطی، آموزش و پرورش نسل‌های جدید است. مدارس و دانشگاه‌ها می‌توانند نقش کلیدی در تربیت شهروندان مسئول و آگاه ایفا کنند. در سال‌های اخیر، برخی مدارس در ایران برنامه‌های آموزشی ویژه‌ای برای ارتقای آگاهی زیست‌محیطی دانش‌آموزان ارائه کرده‌اند، از جمله کارگاه‌های بازیافت و بازدید از مناطق حفاظت‌شده. علاوه بر این، برخی دانشگاه‌ها دوره‌هایی در زمینه مدیریت محیط‌زیست و توسعه پایدار ارائه می‌دهند که هدف آنها تربیت نیروی انسانی متخصص برای مقابله با این بحران‌هاست.

برخی سازمان‌های مردم‌نهاد نیز با اجرای پروژه‌های آموزشی در روستاها و مناطق محروم، تلاش می‌کنند تا آگاهی زیست‌محیطی را در سطح جامعه گسترش دهند. این نوع آموزش‌ها می‌توانند به تغییر رفتارهای فردی و جمعی منجر شود و تأثیرات بلندمدتی بر کاهش اثرات بحران‌های زیست‌محیطی داشته باشد.

نقش دولت و سیاست‌گذاری زیست‌محیطی

دولت نقش حیاتی در مدیریت بحران‌های زیست‌محیطی و کاهش اثرات آنها دارد. سیاست‌گذاری‌های مناسب، مانند تشویق به استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، کاهش یارانه‌های سوخت‌های فسیلی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های سبز، می‌توانند اثرات بحران‌ها را کاهش دهند. به عنوان مثال، اجرای طرح‌های گسترده برای احیای تالاب‌ها و جنگل‌ها می‌تواند به کاهش اثرات تغییرات اقلیمی کمک کند.

در این میان، نقش نهادهای نظارتی و مشارکت جامعه نیز نباید نادیده گرفته شود. مشارکت عمومی در پروژه‌های زیست‌محیطی، مانند پاک‌سازی سواحل یا کاشت درخت، می‌تواند حس مسئولیت‌پذیری جمعی را تقویت کند و نتایج مثبتی به همراه داشته باشد.

■ چشم‌انداز آینده

بحران‌های زیست‌محیطی در ایران نه‌تن‌ها چالش‌هایی جدی ایجاد کرده‌اند، بلکه فرصتی برای بازنگری در سبک زندگی و بازتعریف ارزش‌های فرهنگی نیز فراهم آورده‌اند. با افزایش آگاهی عمومی، بهبود سیاست‌های دولتی و تقویت نقش رسانه‌ها، می‌توان امیدوار بود که جامعه ایرانی به سوی پایداری بیشتر حرکت کند. در این مسیر، همکاری میان دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی ضروری است تا بتوان چالش‌های پیش‌رو را به فرصت‌های جدید تبدیل کرد.

*فرشته حقیقی؛ پژوهشگر فرهنگ و رسانه